

متن پرسش

سلام علیکم: بعد از شهادت امام شهیدمان آخرین سخنرانی آقا خیلی برام برجسته شد که روی چند نکته تاکید کردند اول سخنرانی تاکید جدی روی مساله وقت شناسی مردم آذربایجان دارند و بعد هم تاکید روی این عبارت که «مثلی لایبایع مثله» و بعد هم اینکه ملت ایران هم تکلیف خود را می‌دانند و با آموزه شیعی عدم بیعت با مثل یزید تکلیف خود را روشن می‌بینن و بعد هم انتخابی که خود آقا در نوع شهادتشان داشتند و به پناهگاه نرفتند با این همه بعد از شهادت این بزرگمرد روز به روز احساس جاماندگی از جنس توابین و سلیمان صرد خزاعی دارم که چرا در تاریخ خودم حاضر نیستم؟ چرا بعد از امام خود زنده هستم؟ اگر تاریخ عاشورایی در صحنه است چرا باید پروا کنم از جان دادن؟ اگر اینگونه است که عاشورایی با خون خود باید تاریخ را متحول کنیم چرا آماده ی چنین حضوری نیستم؟ چرا هنوز محبت فرزندانم محتاط ام کرده است؟ حس خوبی به خود ندارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مهم، روحیه مقاومت است و متوجه شد تاریخی آغاز شده و ما نسبت به آنچه در حال وقوع است بی تفاوت نباشیم. از خود باید بپرسیم ما در کجای این تاریخی که با انقلاب اسلامی آغاز شده است، قرار داریم؟! تاریخی که به ظرافت نور و به صفای نسیم، وزیدن گرفته تا انسان‌ها گم‌شده خود را که انسانیت اصیل است بیابند و این است حکایت حضور سنت‌های الهی در دفاع از مظلوم و نابودی ظالم. حال باز باید از خود پرسید در میدانی که با شهادت آن امام عزیز گشوده شد، ما در کجای این تاریخ ایستاده‌ایم؟ تاریخی که وقت جدیدی است که اولاً: آمریکا دیگر نمی‌تواند در منطقه غرب آسیا حضوری نظامی و حتی حضور نرم داشته باشد. و ثانیاً: رژیم صهیونی امکان ادامه خود را از دست می‌دهد و ایران به عنوان ایران بعد از شهادت آن قائد عظیم، با نقش‌آفرینی هرچه بیشتر در منطقه نسبت به امنیت منطقه حضور فعال دارد. موفق باشید